

# آزادی رابطه جنسی یا جمهوری اسلامی؟

جغرافیایی در هم ادغام شده اند. جنبه جهانی پیدا کرده است بطوریکه از جنبه محلی و اقلیمی فراتر رفته است.



جمال کمانگر

دیگر هیچ قدرت دولتی در دنیا قادر به سانسور و جلوگیری از هجوم اطلاعات به داخل کشورها را ندارد. اگر جوانی هستید در ایران، همان علایق و رفتارهایی که سایر جوانان در جهان دارند شامل حال شما میشود. حصار دینی و سنتی دیگر نمیتواند این جدایی را تداوم ببخشد.

حتی اگر امکان عملی زندگی شبیه غرب برای جوانان در ایران مهیا نباشد اما به عناوین مختلف و راه انداختن انواع کلوب های زیر زمینی و شبکه گسترده توزیع سی دی های فیلم و موزیک و غیره سد مقاومت اسلامی را درهم شکسته اند. اینترنت به عنوان ابزاری ارزان به پاتوقی برای همه اقشار جامعه تبدیل شده است. به محلی برای دوستی تا خرید و فروش بورس و خلاصه اکثر کارهای که شاید مجبور باشید ساعتها در ترافیک باشید با چند دقیقه جستجو در اینترنت قابل انجام است.

آنچه این روزها بیشتر مورد توجه است و بیشتر به آن بها داده میشود مسئله تجارت سکس و صنعتی است که حول این مقوله در جریان است. برای جوامع بسته مذهبی و سنتی که سکس در آن تابو و تلاش برای رفع این نیاز موجب صدور انواع فتوا و غیره میشود، حتی صحبت از آموزش نوجوانان و کودکان و مصون داشتن آنها کاری غیره ممکن نیست.

این امید که از ایسنا خبرگزاری دانشجویان بخش شد یک نوجوان ۱۷ ساله که مقطع دیپلم را تمام و دانشجوی است دست به خودکشی زده است. آنچه که علت خودکشی بیان شد احساس شرم: از مطلع شدن دیگران از وی که عکسهای پرنوگرافی نگاه میکرده و یا در خانه نگه میداشته است.

این بحث هر چند هم محدود اما بار دیگر مسئله روابط جنسی و کلا نگاه به عکسهای پرنوگرافی مورد توجه رسانه ها قرار گرفت. تا آنجا که به اکثر کسانی که در این زمینه اظهار نظر کرده اند آنچه در این میان کمتر به آن اشاره شده است. نقش مخرب فرهنگ شرقی-اسلامی حاکم بر ایران در پدید آوردن این تراژدیها است.

امروزه به یمن اینترنت و hobbies ماهواره ها بسیاری از مرزهای

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

## جوانان کمونیست



سازمان جوانان کمونیست - کمونیست  
Youth Communist Organization - Hekmatist

۵۴

www.javanx.com

سر دبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@gmail.com  
دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com

سه شنبه ها منتشر می شود!  
۱۷ شهریور ۱۳۸۴ - 06 AUG 05

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

تماس با ما  
دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com  
کلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@gmail.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنما  
nasimrahnamadk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲  
معاونت دبیر:  
جمال کمانگر  
jkamangar@yahoo.com  
کلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹



**گنجی، روی مدار صفر درجه!**  
عباس رضایی ص ۲  
**نقش فرهنگیان کمونیست در رهبری مبارزات فرهنگیان ایران!**  
فرامرز حسین زاده ص ۲  
**به یاد جانباختگان شصت و هفت**  
بهمن بهار ص ۳  
**مردم باید انتخاب کنند!**  
منصور حکمت ص ۴

# زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

# گنجی، روی مدار صفر درجه!



عباس رضایی

گنجی بعد از روزها اعتصاب غذا و بعد از فروکش کردن تلاطم انتخابات و تحولات بعد از آن، بدون هیچ قید شرطی! چنان که انتظار می رفت در یک بند و بست پنهانی راهی زندان اوین شد.

چه چیزی یا چه مسئله ای گنجی را قانع به انجام این عمل کرده، برای همه در پرده ای از ابهام باقی مانده است!

در حالی که به آسانی می توان فهمید که چرا گنجی و امسال او این کاره نیستند و زمانی که نظام جمهوری اسلامی به خطر می افتد ساکت می شوند. و به خاطر امام و جمهوری اسلامی، حتی از موقعیتهای خود می گذرند.

جریان گنجی بر می گردد به سالها قبل. گنجی جزئی از جریان دو خرداد

بود، او معتقد به دادن آزادی های بیشتر به مردم و رفرم در جمهوری اسلامی برای حفظ نظام، در مقابل جریان سکولار در میان مردم بود. با پیروزی خاتمی در انتخابات سال ۷۶ این جریان در دولت ایران قدرت را در دست گرفت و شروع به پیاده کردن برنامه های خود نمودند. که می شود از آنها به دایر شدن روزنامه های زیاد و شروع به کار ان جی ای او ها و سفر حامیان اصلاحات به نقاط مختلف دنیا اشاره کرد.

روزنامه ها با دخالت قوه قضایی یکی بعد از دیگری درو شدند، ان جی او ها تعطیل یا فعالیتشان محدود شد، سفیران خاتمی در اروپا در مقابل رادیکالیسم اپوزسیون در کنفرانس برلین شکست خوردند و چهره واقعی جمهوری اسلامی با خاتمی و دو خرداد یا بی خاتمی به تصویر کشیده شد. اما این واقعه برای خیلی ها گران تمام شد! شکست خورده های کنفرانس برلین مورد غضب هم کیشانشان در حکومت ایران قرار گرفتند، که گنجی یکی از

## مانیفست گنجی

این قربانیان بود. اما گنجی لجاج سالها بعد از این دو شکست پیاپی، یکی در کنفرانس برلین و یکی از خیانت خود دولت جمهوری اسلامی و زندانی کردن او به خاطر این افتضاح سیاسی دست به یک نمایش خطرناک زد.

این بار دست در دست هم آن افراد و احزاب که در خرداد ۷۶ به صف خاتمی پیوستند! این بار دست در دست گنجی گذاشتند و درصدد قهرمان کردن او بر آمدند. زیرا درد مشترک و هدف مشترک داشتند و متعلق به یک جریان سیاسی هستند. همان جریاناتی که به اپوزسیون پرو رژیم معروف هستند.

اما وجه اشتراکی که تعدادی از احزاب اپوزسیون چه در داخل و چه در خارج را با گنجی متحد کرد بر می

گردد به اتفاقات سال ۶۰ آن زمان که سفره ای را که خمینی برای همه پهن کرده بود، از جلوی عده ای کشیده شد. توده، چریکهای اکثریت و تعدادی دیگر از احزاب و اشخاص به اپوزسیون رانده شدند و مورد غضب برادران تا دیروز متحد شان قرار گرفتند، همان اتفاقی که بیست و اندی سال بعد برای گنجی رخ داد.

این احزاب خارج کشور هیچ وقت طرفدار سرنگونی حکومت نشدند، و آن گاه که خود حکومت به خطر افتاد با هزار ترفند به طرفداری از آن برخواستند، که نمونه آخرشان طرح رفراندوم بود.

گنجی دقیقاً متعلق به این طیف خاص بود.

مرگ گنجی، و یا مقاومت بیشتر او دیگر ضرورتی برای این جنبش نداشت و به همین دلیل ساده، گنجی دوباره به زندان اوین برگشت.

شاید هدف گنجی اذیت کردن همان جناحی از خود حکومت و دوستان سابقش بود که در مورد کنفرانس برلین، به خاطر منافع حکومت او را قربانی کرده بودند.

## آینده گنجی کاملاً روشن است.

او در بهار سال آینده از زندان مرخص می شود، ولی آنگونه که انتظار داشت، با این حرکت قهرمان از آب در نیامد.

زیرا گنجی متعلق به جنبش مردم نبود، گنجی پلاتفرمی راست تر از راست ترین جریانات اپوزسیون راست در جامعه دارد، به قدرت رسیدن گنجی دردی از دردهای ستم دیدگان جامعه را دوا نمی کرد، گنجی متعلق به یک طبقه دیگر است. او

شاید قهرمان جریانات ضد امپریالیستی طرفدار خمینی بشود، او شاید قهرمان دفاع از بوش و بلربشود، اما قهرمان جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی نشد و هر گز نخواهد شد، چون ربطی به این جنبش ندارد.

گنجی از زندان به زندان رفت تا روی مدار صفر درجه با برگ بازنده اش قماری کرده باشد.

# نقش فرهنگیان کمونیست در رهبری مبارزات فرهنگیان ایران!



فرامرز حسین زاده

اکنون نزدیک به ۳ سال است که معلمان ایران برای کسب مطالبات خود دست به اعتراض و تحصن می زنند که به نظر می رسد افکار و ایده های فرهنگیان کمونیست در این مبارزات نقش بسزایی داشته و دارد که در آتیه با توجه به نقش محوری

خویش را به پیش برند و جدا از اینکه رژیم را از هر سو در تنگنا قرار داده بلکه این خود باعث همبستگی و اتحاد سراسری و بوجود آمدن صفی قدرتمند و رسیدن سریع به خواسته ها و مطالباتشان خواهد شد.

دهد را حفظ نموده و خواسته های تماما انسانی خود را در صف مقدم این مبارزات علم کنند و همیشه و در هر شرایط ممکن در هماهنگی با دیگر اعتراضات قشرهای مختلف در سراسر کشور اعم از کارگران، دانشجویان و پرستاران، مبارزات

سیر تکاملی جنبشهای معلمین و سعی در درک نقاط ضعف و قوت این حرکتها ایجاد تشکلهای مستقل و گسترش این مبارزات در سطح عمومی باعث موفقیت این جریان خواهد شد که در این بین فرهنگیان

کمونیست در داخل کشور سعی کرده اند با این دست اندازههای سیاسی و فشارهای دولت مبارزه کرده و شعار آزادی و برابری را سرلوحه اهداف در این برهه قرار داده و رهایی کامل خود را از زیر سیطره قدرت رژیم، ستم مذهبی، مصائب بورژوازی و ایجاد دولتی سکولار و جدایی دین از آموزش و پرورش را خواستار است!

معلمان کمونیست باید در هر شرایطی نقش برجسته خود و جایگاهی که جامعه به آنها نسبت می

و نفوذ رادیکالیسمی قوی که هیچ خوانایی با نظام فعلی و سیستم آموزشی بسیار عقب مانده آن ندارد، امید است به سوی جنبش چپ و سوسیالیستی به درستی گراییده شود!

البته کانون صنفی معلمان که در اکثر شهرها شعبه دارد، فعلاً به صورت رهبری این تحصنات در ایجاد اعتراضات نقش اول را ایفا کرده است که به بهانه اینکه این اعتراضات صرفاً به خاطر مطالبات صنفی فرهنگیان و در صدر آن در اعتراض به عدم اجرای نظام هماهنگ پرداخت دستمزد صورت گرفته، سعی در نشان دادن رنگی مداراجویانه، سازش طلبانه و موقتی به این جنبشها را داشته است.

علی الحال شناخت واقعی و عمیق از



**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## بهن بهار

## به یاد جانب‌باختگان شصت و هفت

مدنی و متمدن را در نیاورید که زمانی که پای منافع مادی و طبقاتیتان در میان باشد از هیچ جنایتی روی گردان نیستید، این را طبقه کارگر و مبارزینش در طول تاریخ با گوشت و استخوان خویش احساس کرده اند.

آن شب آن خط سرخ را شاید ماموران شهرداری توانستند پاک کنند، اما شبح سرخی که بار دیگر بر فراز جامعه پرواز می کند و جنبشی که ریشه اش در درد و ستم هزاران انسان این جامعه است و پرچمش را حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایران بر افراشته است، نمی تواند با هیچ جنایت یا حربه دیگری پاک کند.

پاریس به احتزاز در آمد تا کنون هیچ گاه بر زمین نمانده است. و امروز نمونه های تقلبی و آمریکایی آزادی خواهی و دموکرات منشی که دستانشان تا آرنج در خون مردم است، امثال اصلاح طلبان رادیکال شده و .... باید پاسخ دهند که در آن هنگام چه می کرده اند، هر چند اکنون نیز تغییر ماهیتی اساسی نداده اند و همچنان موافقت صریح شان را با سرکوب کمونیسم و جنبش طبقه کارگر و هر آن چیزی که از اساس بخواهد شرایط موجود را عوض کند بیان می کنند. دوستان برای ما نمایش انسان های

انسانی و آزاد و برابر در تقابل است و مبتنی بر نظمی است که رفاه و خوشبختی اقلیتی برابر است با مرگ و گرسنگی اکثریت انسانها و در تضاد با شکوفایی و رشد نیرو های مولده و در کل خصایل انسانی بشر قرار می گیرد. در نتیجه نظام موجود هیچ گاه و با هیچ ترفندی از ساختن هیولای استالین گرفته تا نسل کشی های شصت و هفت نمی تواند انسان هایی را که شرایط موجود برایشان هیچ معنایی جز درد و استثمار و سرکوب و مرگ تدریجی ندارد متوقف کند و این گونه است که پرچی که در کمون

که خاطره و ذهنیتی روشن از آن دوره داشته اند. بنا بر خاطرات یکی از راننده هایی که در آن شب های سیاه وظیفه جا به جایی کامیون اجساد قربانیان را بر عهده داشت، زمانی که می بیند خون قربانیان از پایین کانتینر ها به خیابان می ریزد و خط سرخی از دروازه های اوین به سمت گورستان های لعنت آباد و خاوران و .... به جا می گذارد. از جلادان خونخوار اوین کسب تکلیف می کند که چه کار کنند، آنها در جواب می گویند شما بروید و خود دستوری می دهند تا صبح ماشین های شهرداری خیابان های تهران را بشویند.

آن شب آن خون ها شسته شدند ولی امروز با عروج دوباره جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی، حضور پر رنگ مجدد جنبش طبقه کارگر، جنبش زنان و جنبش های اجتماعی دیگر بار دیگر روشن کرد که کمونیسم یک جنبش اجتماعی است ( نه ایدئولوژی و نه ایده ای در ذهنیت من و شما ) و تا زمانی که استثمار، سرکوب و سلطه طبقاتی وجود دارد، جنبش تغییر وضعیت موجود و مبارزه علیه آن هم وجود دارد و این جنبش ریشه در بطن مبارزات طبقاتی درون جامعه دارد و با هیچ نسل کشی یا پاک کردن حافظه و یا توهمی نمی تواند تضاد های جامعه سرمایه داری که هیچ بودگان تاریخ را به مبارزه می طلبد، بپوشاند. بدون حضور احزاب و بدون انسان های مبارزی



### گفتگوی منصور حکمت با انترناسیونال هفتگی درباره وحدت اپوزیسیون

**هفتگی: بیزاری مردم از جمهوری اسلامی و فواست عاجل مردم برای سرنگونی آن، این سوال اساسی را برجسته کرده است که این رژیم را چگونه باید انداخت. در این رابطه فیلی از مردم مساله وحدت احزاب اپوزیسیون سرنگونی طلب را مطرح میکنند و این سوال را جلوی حزب کمونیست کارگری هم قرار میدهند. میگویند ضعف اپوزیسیون در مقابل رژیم اسلامی از عدم اتحاد آنهاست و میپرسند چرا اتحاد نمیکنند؟**

**منصور حکمت:** برخلاف طیف ملی اسلامی، که از خاتمی و جباریان و منتظری تا نهضت آزادی و اکثریت

## مردم باید انتخاب کنند

مردم با درک دینامیسم های تحول سیاسی در جامعه فرق هست. در درون طیف ملی -اسلامی حول مناجات و دعا برای سلامتی مزاج آقای منتظری میشود متحد شد، در طیف سرنگونی طلبان، اما، تفاوتها عمیق است.

**هفتگی: روشن است که احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی از جهاتی با هم اختلاف دارند، اما گفته میشود که حداقل از این جنبه که همگی روی سرنگونی جمهوری اسلامی توافق دارند، میشود روی این جنبه توافق کار مشترک انجام داد. در این باره نظراتان چیست؟**

**منصور حکمت:** بنظر من بجای "کار مشترک"، که با توجه به جدایی اجتماعی جدی این جریانها هیچیک به آن تن نخواهد داد، اگر بخواهیم خوشبین باشیم، شاید باید از تعریف یک سلسله اصول پایه ای و پایبندی هریک از این نیروها به آن صحبت کرد. اصولی مانند پایبندی به اراده آزاد مردم، اصل آزادی بی قید و شرط سیاسی، جامعه سکولار، رفع تبعیض و غیره. این اصول حداقل را حتی میشود بعنوان یک منشور حقوق پایه ای مردم تعریف کرد. اما این اصول مبنای وحدت این نیروها ←



**دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!**



## ساعات پخش تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای جمعه از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران ( ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت اروپا)

مرکزی و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت (مردمکای غربی از شبکه کاتالک یک پخش میشود)

ایران و اروپا:

**Telstar 12**  
**Freq: 11494.5 MHz**  
**Polarity: Vertical**  
**Sym Rate: 17,4687ms**  
**FEC: 3/4**

(مردمکای شمالی):

**Telstar 5**  
**Freq: 12,090 MHz**  
**Polarity: Horizontal**  
**Sym Rate: 20000 ms**  
**FEC : 3/4**

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

[www.hekmatist.com/parto](http://www.hekmatist.com/parto)

از این سایت ها دیدن کنید:

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.oktoberr.com](http://www.oktoberr.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)  
[www.pasox.org](http://www.pasox.org)

## به سازمان

## جوانان حکمتیست

## پسوندید!

گروپ جوانان  
حکمتیست

در یاهو!

[http://](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

[groups.yahoo.com/javananekomonist](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

وحدت با طرفداران بازار آزاد و آمریکا و سلطنت و اسلام پاستوریزه بدست نیاید. در نتیجه ما مردم را به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی کامل و همه جانبه فرد و جامعه. این به معنی انزواطلبی سیاسی و بدعتی با سایر جنبشهای سیاسی نیست. برعکس هر قدر ما حرف مستقل خودمان را روشن تر بیان کنیم و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را بدون شبهه تر تبلیغ کنیم، امکان پیدا میکنیم بدون دامن زدن به توهمات سیاسی در میان مردم، با هر کس تا هر جا همراه میشویم راه بیائیم. ما طرفدار رشد فرهنگ سیاسی و فرهنگ حزب در ایرانیم. ائتلاف، سازش، جبهه، وحدت عمل و غیره وقتی جای خود را در سیاست ایران پیدا میکند که تعیین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تفکیک آرمانی و برنامه ای احزاب در سطح پیشرفته ای قرار گرفته باشد. اول باید اردوهای سیاسی ایران معاصر بدرستی تعریف شود تا بعد بشود از جبهه بندی های تاکتیکی میان آنها صحبت کرد.

**هفتگی: ممکن است در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی وضعیتی پیش آید که احزاب اصلی اپوزیسیون با نیروی اجتماعی ای که جذب کرده اند هر کدام یک وزنه غیر قابل حذف در تحولات جامعه و ایجاد حکومت جدید باشند. در چنین شرایطی آیا یک نوع اتحاد اجباری پیش خواهد آمد، از حالا نباید برای چنین حالتی فکر کرد و از این زاویه به مساله اتحاد پرداخت؟**

**منصور حکمت:** هروقت پیش آمد ما هم به نیاز آن روز از یک موضع مسئول جواب میدهیم. عکس این حالت هم میتواند پیش بیاید و برای آن هم باید آماده بود. فعلا موضع ما مطلوبیت دیالوگ است.

**هفتگی: سوال میشود که مبارزه در سلاح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه**

دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران است. شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نهایتا تن ندادند. جنبش ملی اسلامی احتمالا هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد. اینها را باید یک به یک منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادلای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند. ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان [نه] بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست، چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست. بحران اقتصادی - سیاسی - فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست.

از انترناسیونال هفتگی شماره ۷۷

۱۹ مرداد ۱۳۸۰ - ۱۰ اوت ۲۰۰۱



[www.javanx.com](http://www.javanx.com)